

نخستین بانوی قرآن پژوه

<?xml encoding="UTF-8">



همانگونه که اصل کسب دانش و معرفت و سیر مراتب بالایی علمی و معرفتی در قید جنس و نژاد خاصی نیست، قرآن پژوهی نیز در انحصار یک جنس، نژاد و طبقه‌ای نمی‌باشد. در طول تاریخ اسلام، در جمع قرآن پژوهان شاهد حضور زنان برجسته‌ای - همچون مردان - بوده‌ایم. لکن متأسفانه کمتر نام و تلاش آنها مورد توجه قرار گرفته است.

حضرت فاطمه - سلام الله علیها - دختر گرامی رسول خدا(ص)، از سالهای نخست بعثت و تا پایان عمر شریف آن حضرت در محضر پدر بزرگوارش بود و همواره از آن حضرت کسب فیض می‌کرد. حتی آن هنگامی که خود در محضر پیامبر(ص) نبود، از زبان همسر بزرگوارش علی(ع) و یا فرزندانش حسن و حسین(ع)، آخرین آیات نازل شده بر پیامبر(ص) و سخنان آن حضرت را می‌شنید و به حافظه می‌سپرد. دانشمندان شیعه و اهل سنت همه اتفاق نظر دارند بر اینکه زهرا(س) یکی از زنان محدثه و آشنای به احکام، معارف، تفسیر و فهم قرآن بوده است. در شرح زندگی امام مجتبی(ع)، ماجرای نقل می‌شود که حکایت از جستجوگری حضرت زهرا(س) برفراگیری دانش قرآن و فهم بیشتر دارد.

علاقه به قرآن

حضرت علی(ع) وارد منزل شد، در کمال تعجب مشاهده کرد که زهرا(س) آخرین آیات نازل شده بر پیامبر(ص) را زمزمه می‌کند، در حالی که زهرا(س) در منزل بوده است. حضرت پرسید: چگونه از این آیات اطلاع یافته‌اید؟ پاسخ داد: فرزندان حسن(ع) هر روز برایم آخرین آیات نازل شده و یا سخنان پدرم را بیان می‌کند. پدر مشتاق شنیدن آیات قرآن و سخنان پیامبر(ص) از زبان فرزندش شد. روز بعد در خانه پنهان شد. حسن(ع) طبق روال هر روز وارد منزل شد و آیات را برای مادر خواند؛ اما امروز مرتب دچار لکنت زبان می‌شد. رو کرد به مادرش و گفت: مادر امروز زبانم به لکنت افتاده، مثل آن است که در محضر آقا و بزرگ خودم (پدرم یا پدر بزرگم) سخن می‌گویم. امام از پشت پرده خارج شد و فرزند را در آغوش کشید.

این ماجرا دقت و پیگیری زهرا(س) را در کسب معارف قرآنی نشان می‌دهد. بدون شک می‌توان زهرا(س) را اولین بانوی قرآن پژوه نامید؛ زیرا سایر بانوان، هیچ‌یک به اندازه زهرا(س) در تفسیر، تبیین و استدلال به آیات قرآن، احاطه نداشته و کار نکرده‌اند. فرمایشات گرانبهای آن حضرت پر است از استدلال به آیات. برای نمونه قسمتی از خطبه حضرت زهرا(س) در برابر مردم مدینه - از مهاجرو انصار - که در مسجد پیامبر(ص) ایراد فرمود، مورد بررسی قرار می‌دهیم. این خطبه اگر چه تمامی مطالبش برگرفته از آیات وحی الهی است، لکن استدلال و استشهاد به آیات قرآن به صورت صریح، در بیست و شش مورد آمده است. این رقم بهره‌گیری از آیات قرآن در یک سخنرانی (حدوداً نیم ساعته) نشانگر تسلط، شناخت و ژرف‌نگری و توان استنباط گوینده است. در این

خطبه حضرت از سه روش «استدلال، پند و موعظه نیکو و جدال احسن» برای بیان حقایق، راهنمایی مردم و رسوا سازی تحریف‌گران بهره می‌گیرد. آن حضرت در این خطبه نخست به توصیف قرآن، جایگاه و نقش آن در زندگی انسانها پرداخته و می‌فرماید: «خدواند را در بین شما مردم پیمانی است که آن را نزد شما گذارده است و بازمانده‌ای که به خلافت و نیابت خود برگزیده است و آن کتاب ناطق و گویای الهی است. قرآن، کتاب راستین و نور درخشان و چراغ تابناک و روشن‌گر است. کتابی که دیدگاه‌هایش روشن و مستدل، اسرارش آشکار و ظواهرش درخشان و پیروانش مورد غبطه‌ی دیگران ...

این نگاه محققانه و معرفت ژرف اندیشانه به قرآن، حکایت از آگاهی، تسلط و شناخت بالایی آن حضرت به عمق و ژرفای قرآن دارد. تاکسی شناخت عمیق از قرآن نداشته باشد، نمی‌تواند اینگونه به توصیف زوایا و جنبه‌های گوناگون قرآن بپردازد.

حضرت زهرا(س) با استفاده از فن «جدال احسن» یا مناظره‌ای که برگرفته از دستور قرآن به پیامبر بزرگوار(ص) است، «ادع الی سبیل ربک بالحکمة و الموعظة الحسنة و جادلهم بالتي هي احسن؛ فراخوان به راه پروردگار به حکمت و پند نیکو و جدال کن با آنان با جدال احسن». (سوره‌ی نحل، آیه‌ی 125)، با ابی بکر و حامیانش، در برابر اصحاب پیامبر (ص) از مهاجر و انصار، مجادله و استدلال می‌کند، آن هم با استفاده از آیات قرآن. زیرا آنها با شعار «حسبنا کتاب الله» وارد مبارزه شده بودند و به اصطلاح خود را پایبند به اصول و ارزشها نشان می‌دادند! یکی از موارد بحث در این خطبه، بحث فک است. ابوبکر و حامیانش با چنگ زدن و استدلال به یک حدیث مجهول «ما گروه پیامبران، چیزی به ارث نمی‌گذریم، آنچه از ما باقی بماند صدقه است»، فک را از حضرت زهرا(س) گرفتند. حضرت پس از پیمودن همه راهها و ارایه شهود و مدارک و عدم پذیرش آنها از سوی خلیفه، در مسجد پیامبر به جدال با خلیفه روی آورد. آن حضرت با احاطه کامل استدلال و استنباط از کتاب خدا، چنان محکم به استدلال پرداخت که همگان را مبهور ساخت. اهل فن می‌دانند که استدلال و استنباط از کتاب خدا تا آن روز اختصاص به رسول خدا (ص) داشت. در زمان حیات آن حضرت کسی به خود جرأت نمی‌داد وارد مقوله استنباط شود، مگر آنان که حضرت خود به آنها اجازه می‌داد. اینک رسول خدا (ص) از دنیا رفته است. همه افراد جامعه به متن کتاب و سیره‌ی پیامبر(ص)، به عنوان منابع اصلی احکام و دستورات توجه دارند.

استنباط با قرآن

دخت گرامی پیامبر(ص) باب استنباط صحیح از کتاب خدا و سیره پیامبر را می‌گشاید و راه کژ فهمی و انحراف را، که عده‌ای به نام دین می‌خواهند بر جامعه تحمیل کنند، می‌بندد. حضرت در موضوع فک و بحث ارث چنین می‌فرماید:

«ای مسلمانان آیا من نسبت به گرفتن ارث خود باید مغلوب شوم؟ ای پسر ابی قحافه! آیا در کتاب خدا آمده است که تو از پدرت ارث می‌بری و من از پدرم ارث نمی‌برم؟!»

تو مطلبی ناروا و سخنی نامناسب گفته‌ای! آیا عمداً کتاب خدا را کنار گذاشته و پشت سرتان انداخته‌اید؟ آنجا که خداوند می‌فرماید: «و ورث سلیمان داوود؛ سلیمان از داوود ارث برد». (سوره ی نمل، آیه 16) و آنجا که خداوند داستان یحیی بن زکریا را بازگو می‌کند، می‌فرماید: «فهب لی من لدنک ولیا یرثنی و یرث من آل یعقوب ...؛ پروردگارا! از سوی خودت جانشینی مرا ببخش که از من و خاندان یعقوب ارث ببرد». (سوره ی مریم، آیات 5 و 6) و خداوند در قرآن فرمود: «واولوا الارحام بعضهم اولی ببعض فی کتاب اللّٰه؛ خویشاوندان برخی نسبت به برخی دیگر در کتاب خدا برتر و مقدم می‌باشند». (سوره ی انفال، آیه 75) و همچنین فرمود: «یوصیکم اللّٰه فی اولادکم للذکر مثل حظّ الانثیین؛ خداوند درباره فرزندانان به شما سفارش می‌کند که پسر دو برابر دختر سهم ببرد». (سوره ی نساء، آیه 6) و فرموده است: «ان ترک خیراً الوصیة للوالدین و الاقربین بالمعروف حقّاً علی المتّقین؛ اگر مالی را از خود برجای گذاشت، برای پدر و مادر و خویشاوندان، به گونه شناخته شده (قانون ارث) وصیت کند، این امر برای پرهیزکاران کاری درست و شایسته است» (سوره ی بقره، آیه 180) حال با این آیات واضح و استدلال‌های روشن... شما پنداشته‌اید که من بهره‌ای نداشته و از پدرم ارث نمی‌برم؟ و هیچ رابطه و پیوندی بین ما نیست؟!»

استدلال با قرآن

این استدلال حضرت زهرا(س) از قوی‌ترین استدلال‌هاست؛ زیرا اگر آنها بگویند: چون فرزند پیغمبر هستی ارث نمی‌بری، زیرا پیامبران ارث باقی نمی‌گذارند! با آیات صریح قرآن که سلیمان از داوود ارث برده است و زکریا از خداوند وارث می‌خواهد و... مخالفت کرده‌اند! اگر بگویند: چوت دختری ارث نمی‌بری بازهم با صریح آیه قرآن که دختر نصف پسر ارث می‌برد، مخالف است! اگر بگویند: پدرت چون پیامبر است، حق وصیت و ارث دادن ندارد، باز هم با صریح آیه قرآن مخالفت کرده‌اند که می‌فرماید: «وصیت کنید در اموالتان و پیامبر هم اولین مخاطب قرآن است و استثنا هم نشده است».

به همین جهت، حضرت زهرا(س) در ادامه می‌فرماید: «آیا خداوند اختصاصاً برای شما آیه‌ای فرستاده که پدرم را از آن (قانون کلی ارث) استثنا کرده باشد؟ یا معتقدید که من و پدرم اهل ملّت واحدی نیستیم (و از دو ملیت و آئین هستیم)؟! یا شما خود را نسبت به عام و خاص قرآن از پدرم و علی داناتر می‌دانید؟!»

اینکه زهرا(س) نفرمود: «از پدر، پسر عمو و خودم» برای پیشگیری از هر گونه خودستایی است و گرنه همگان می‌دانستند که آن حضرت هم همانند پدر و پسر عمویش علی(ع) به کتاب خدا و عام و خاصش و مطلق و مقیدش آشنا است که همین سخنان گویای این واقعیت است و این ابوبکر است که در همان مجلس خطاب به زهرا(س) اعتراف به دانش و تسلط حضرتش به کتاب خدا می‌کند و چنین می‌گوید: «خداوند و رسولش راست گفته‌اند و دختر پیامبر نیز درست می‌گوید. ای دختر پیامبر! (ص) تو معدن حکمت و جایگاه هدایت و رحمت و رکن دین و سرچشمه برهان و دلیل می‌باشی. حق گویی تو را بعید نمی‌شمرم و سخنانت را ناروا نمی‌دانم اینک این مسلمانان هستند که می‌توانند بین من و تو داوری کنند، آنچه را که من بر عهده گرفته‌ام، اینان برگردنم انداخته‌اند و به اتفاق و هماهنگی ایشان آنچه را به دست گرفته‌ام عهده‌دار گشته‌ام.»

آنگاه حضرت زهرا(س) رو به جمعیت می‌کند و می‌فرماید: «ای مردمی که شتابان به گفته‌ی باطل روی آورده‌اید! کار زشت و زیانبار را با دیدهی اغماض نگرسته و آن را پذیرفته‌اید آیا در کتاب خدا اندیشه نمی‌کنید: «افلا یتدبرون القرآن ام علی قلوب اقفالها؛ آیا بر دلهایتان قفل زده شده است». (سوره ی محمد، آیه 24) چه بد موضع گرفته‌اید

و به بد چيزي اشاره کرده‌ايد و به معاوضه نامناسب و بدی رضا داده‌ايد. به خدا سوگند! هنگامي که پرده‌ها به يك سوي زده شود، بارش را سنگين و پیامدش را خطرناك خواهيد يافت و ضرر و زیان به دنبال خواهد داشت.» و خسر هنالك المبطلون». (سوره‌ي غافر، آیه‌ي 78)

پاورقیها:

1. بحارالانوار، جلد 8 ص 114. چاپ کمپانی - شرح خطبه حضرت زهرا(س)، آیت الله العظمي منتظري - نشر بلاغت قم.